

سیرک اقتصادی

پروین حکیم زاده

چاپ اول

انتشارات مینو

تهران، ۱۳۸۹

سرشناسه	:	حکیم زاده، پروین، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدید آور	:	سیرک اقتصادی/ پروین حکیم زاده
مشخصات نشر	:	تهران: کتاب مینو، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	:	۷۶ص: مصور
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۴۳-۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	اقتصاد- به زبان ساده
موضوع	:	نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ س ۹ ح ۱/ HB
رده بندی دیویی	:	۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۲۶۲۰۶



سیرک اقتصادی

پدید آورنده: پروین حکیم زاده

صفحه آرا و ویراستار: احسان پوری

تصویرگر: منیر طهانی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۴۳-۶-۹

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

Email: Ketabemino01389@yahoo.com

کتاب مینو- تهران، اختیاریه جنوبی

تلفکس: ۲۲۵۷۴۱۵۹

تمامی حقوق برای نویسنده محفوظ است.

فهرست

- یشگفتار ۹-۱۵
- اپیزود ۱- تعادل: بندباز ۱۷-۳۱
- اپیزود ۲- سار کلا: رام گر ۳۳-۴۴
- اپیزود ۳- راز: جیم باز ۴۵-۵۷
- اپیزود ۴- بحرار: ریداد ۵۹-۶۸
- اپیزود ۵- برنامه: چشم آواز ۶۹-۷۵

پیشگفتار:

علم اقتصاد، به رغم کاربردهای روزافزون، به تدریج، از هدف‌های واقعی خرد، به ماهیتش بر آن استوار است، فاصله گرفته و به علمی ترشدن، از طریق ابداع فرمول‌های جدید و تأثیرگذاری افراط‌گونه از ریاضیات کشانده شده است.

باید افزود که کاربرد ریاضیات، در این علم تا حدود زیادی، اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌ویژه آن هنگام که در پی بهینه‌سازی‌ها هستیم. اما این علم، بیش از گذشته، به دنبال تثبیت هر چه بیشتر مفاهیم نظری خود، در قالب‌های ریاضی محض و انتزاعی، پیش می‌رود. بیشتر جوایز نوبل، در این رشته، از آن کسانی است که توانسته‌اند نظریه‌های این علم را، در چارچوب‌های

ریاضی نوظهور و مدل‌ها و فرمول‌های آن، بیان و اثبات کنند.^۱

ماهیت این علم - اعم از نحوه مدیریت هوشمند منابع و درآمدها، بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود برای رفع تبعیض‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر- اینک، با تلاشی بی‌وقفه برای پیچیده‌تر شدن در لفافه‌های دشوار، انتزاعی تعاریف و فرمول‌های ناملموس، به تدریج، دگرگون می‌شود.

۱. جایزه علم اقتصاد بانک مرکزی سوئد، معروف به جایزه نوبل اقتصاد، به افتخار آلفرد نوبل (Alfred Nobel, 1833-1896)، هر سال به پژوهشگران برجسته علم اقتصاد اعطا می‌شود. برندگان آن را آکادمی سلطنتی علوم سوئد انتخاب و هزینه آن را بانک مرکزی آن کشور تأمین می‌کند. این جایزه، در سال ۱۹۶۸م و در سیصدمین سالگرد تأسیس بانک مرکزی سوئد، بنیان نهاده شد و، نخستین بار، در سال ۱۹۶۹م، به دو اقتصاددان آلمانی و نروژی اعطا شد. البته، این جایزه بخشی از جوایز پنجگانه‌ای که آلفرد نوبل پایه‌گذاری کرده بود، نیست. از برندگان نوبل اقتصادی که با روش‌های ریاضی به تشریح علم اقتصاد پرداخته‌اند، می‌توان جان فوربز نش (John Forbes Nash, 1928-2015)، جرج اکرلوف (George Akerlof, 1940-), و، مشترکاً، به‌رابرت انگل (Robert Angel, 1958) و کلایو گرنجر (Clive Granger, 1943-2009) را نام برد که در فاصله سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۳م، برندگان این جوایز بوده‌اند.

جای بسی تعجب است که بسیاری از اندیشمندان علم اقتصاد، برای بیان حتی روشن‌ترین حقایق اقتصادی، ناگزیرند با تدوین فرضیات، تعیین اشیاء و روش‌های پیچیده ریاضی، به‌کارگیری اعداد و ارقام، و آزمون و خطاهای محض، در انتظار بمانند تا اربابان سلیقه‌ای مختلف علم اقتصاد بر افکار و آثار آنان که علی‌الغالب شهود بودن آن در جوامع مختلف مهر تأیید بر نهاده در مسیر این صورت، ناچارند از مسیر بن‌بستی که در طی آن ذهن پویای خود را به روش‌ها و شیوه‌های تجربی گم‌گشته برگردانند.

تمامی این رویدادها در حالی است که حقوق اقتصادی میلیون‌ها انسان، در جای‌جای جهان، ثانیه‌به‌ثانیه، به‌راحتی، پایمال می‌شود. گویی، مهم نیست که گسترش فقر، بیکاری، تبعیض‌ها، به دنبال آن‌ها، نابرابری روبه‌گسترش در درآمدها و حتی آزادی‌های سیاسی اطراف و اکناف جهان، که اغلب سبب اقتصادی دارد، چه بر سر ملت‌ها آورده است؛ یا هیچ جای نگرانی نیست که دو قطب فقیر و غنی، بر اثر پیامدهای این اتفاقات شوم، تا چه حدی، در حال فاصله‌گرفتن از یکدیگرند.

دور از واقعیت نیست که، در یک سوی جهان، دست‌هایی پنهان درکارند تا بیشتر اندیشمندان این علم را به ابداع فرمول‌های بسیار پیچیده و دیرپای ریاضی سرگرم کنند؛ طوری که، در نهایت، شاید، نتایج آن برای تمام ساختارها و الگوهای اقتصادی جهان، از گونه که باید نیز گشایشی در پی نداشته باشد.

اکنون، این پرسش‌ها، نسبت به هر زمان دیگری، ذهن نظریه‌پردازان علم اقتصاد را مشغول کرده است که چرا با وجود پیشرفت‌های فراوان، در به دست دادن نظریات‌های مختلف و مدرن در علوم اجتماعی و انسانی، مجموعه در علم اقتصاد، برای یافتن راه حل مشکلات موجود، از یک سو بر بی عدالتی‌ها و نابرابری‌ها، از سویی دیگر، بر اعتراضات و ناآرامی‌ها، در سراسر جهان، افزوده می‌شود در این علوم، چه چیزهایی نادیده گرفته شده و یاد ر توضیح چه نکاتی از آن‌ها کوتاهی روی داده است؟ آیا زمان آن فرا نرسیده است که اربابان علوم اقتصادی از تعمیق الگوهای تجربیدی و انتزاعی خود دست بردارند و به تدوین قوانین اساسی و عملی در علم اقتصاد بپردازند؟ آیا اقتصاددانان نباید قوانینی

همچون قوانین اساسی کشورها را، که حقوق‌دانان وضع می‌کنند، در ساختارها و نظام‌های اقتصادی خود، تعریف و لازم‌الاجرا کنند؟ قوانینی که به صورت آشکار، حدود و مرزهایی برای جلوگیری از زمینه‌های احتمالی بروز فسادهای مالی و اقتصادی در ساختار اقتصادی کشورها را به صورت شفاف بیان نمایند؟ این پرسش‌ها به قصد مطرح کردن چنین ضرورت‌هایی در علم اقتصاد، با ساختاری کنایه آمیز، به نگارش درآمده است و در آن برخی مفاهیم این علم و تلاش‌های هرماندان سیرک^۲، در تطابقی دوسویه با یکدیگر تکرار گرفته‌اند؛ به‌طور خلاصه، ناظری اقتصادی در بخش‌های نمایشی این سیرک خیالی حضور دارد. او با نگاهی سرشار از آن نوع پرسش‌هایی که دربارهٔ ماهیت و وضعیت کنونی

۲. «رومیان اولین کسانی بودند که واژه سیرک (Circus) را به کار بردند. در آن زمان، به محوطه وسیعی که محل بازی‌های مهیجی همچون اسب‌دوانی، آکروبات، مسابقهٔ ارابه‌رانی و کشتی بود، سیرک گفته می‌شد. نوع جدید سیرک از سدهٔ ۱۷۰۰ میلادی آغاز به کار کرده است و در آن از شعبده‌باز، دلقک، آکروبات‌باز و همه نوع حیوان رام‌شده و حتی شیر و خرس هم استفاده می‌شود»؛ نک: *دایرةالمعارف کودکان و نوجوانان*، ج ۱، چاپ سیزدهم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲.

علم اقتصاد مطرح شد، به توصیف تطابق نمایش های سیرک با برخی از موضوعات اقتصادی می پردازد. بنابراین، از سویی، مفاهیمی همچون تورم^۴، بیکاری^۵ و رشد^۶ را، در تمثیلی آشکار، با سه ببر نمایش تطبیق می دهد و، از سویی دیگر، مفهوم تعادل^۷ میان عرضه و تقاضا را، که دیدگاه برخی از نحله های فکری این علم است، با حالات و رفتار بندبازی که در ایجاد و حفظ تعادل وجود می کوشد، به تصویر می کشد و آن را عینی تر می داند؛ و همین گونه است مفاهیم دیگر که آن ها را، سرمایه داری و جابه جا، با یادآوری و تأثیر عمیق سخنان براندۀ نامدار انگلیسی، ویلیام شکسپیر^۸، مورد واکاوی علمی قرار می دهد. در این میان، انگشت اشاره را به سوی آن دسته از صاحب نظران این علم، در سراسر جهان، نشانه می رود که تنها بر اعتبار الگوهای تجریدی و ناکاربردی اقتصادی اصرار می ورزند.

4. Inflation

5. Unemployment

6. Growth

7. Equilibrium

8. William Shakespeare (1564-1616)

در این زمینه، سخن فراوان است و پرسش‌های اساسی، همچنان، بی‌پاسخ. خلاصه آن‌که، نگرانی از برقرارنشدن تعادلات ریاضی در علم اقتصاد و مدل‌های آن چگونه می‌تواند، در جهانی آکنده از فقر و نابرابری و تبعیض‌های اقتصادی، گره‌گشای مشکلات ببری باشد؟ آیا هنوز وقت آن نرسیده است که شرح دقیق‌تری از وظایف و ماهیت علم اقتصاد نگاشته شود؟ آیا زمان تدوین و اجرای قوانین دقیق اقتصادی فرا رسیده است؟